



علم

علم دارای **ارزش** ذاتی می‌باشد و در **دین مبین اسلام** به علم ارزش و بهای بالایی داده شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - جایگاه علم
- ۲ - علوم دارای ارزش
- ۳ - نکوهش جهل
- ۴ - انواع علم و عالم
- ۵ - مفهوم علم
- ۶ - انواع درک
- ۷ - تقسیم دیگر علم
- ۷.۱ - علم نظری
- ۷.۲ - علم عملی
- ۸ - نظر سقراط درباره علم
- ۹ - تقسیم علم از نظر علامه طباطبایی
- ۱۰ - مجرد علم
- ۱۱ - اطلاق علم به مطلق دانش
- ۱۲ - جایگاه علم در قرآن
- ۱۲.۱ - دعوت قرآن به شناخت
- ۱۲.۲ - قوام دین از نظر قرآن
- ۱۲.۳ - نکوهش ترک علم در قرآن
- ۱۲.۴ - بصیرت و ظلمت از نظر قرآن
- ۱۲.۵ - علم منشأ ایمان و تقوی
- ۱۲.۶ - علم منشأ قدرت و پیشرفت
- ۱۲.۷ - شرط درک اسرار هستی
- ۱۲.۸ - شرط تقرب به خدا
- ۱۲.۹ - علم قرآنی از نظر علامه
- ۱۲.۱۰ - ارتقای رتبه انسانی
- ۱۲.۱۱ - عالی‌ترین مرتبه وجودی انسان
- ۱۲ - تفاوت عالم و عابد
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

جایگاه علم

ارزش علم و دانش به اندازه‌ای است که **خداوند متعال** به **قلم** و آنچه می‌نویسد **سوگند** خورده است. آنقدر دانش در **اسلام** ارزشمند است که **امیرالمؤمنین** میان آن و **ثروت**، به هفت **دلیل** علم و دانش را انتخاب می‌نماید.

علوم دارای ارزش

این همه **مزیت** و **اعتبار**، برای معرفتی است که هم رساننده و هم بازدارنده باشد و علمی باشد که از طریق **ثواب**، به دست ما رسیده باشد **هدف قرآن کریم** تشویق مردم به **تحصیل علم** و تعمیق در **اعتقادات** و **تعهد** آنها است تا **ایمانی** راسخ و **استوار** به دنبال داشته باشد.

نکوهش جهل

اعتبار و ارزشی که قرآن کریم برای علم و **عالم** قائل شده است آنرا برای هیچ موجودی روا نداشته و جاهل را به منزله **نابینایی** می‌داند که راه را نمی‌شناسد و به **سرمنزل مقصود** نمی‌رسد.

انواع علم و عالم

حال باید ببینیم علم چیست و عالم کیست و **هدف** همه **مزایا** و ارزش‌ها به سمت کدام علم و عالم است؛ آیا هر دانشی ره‌گشا و تأمین‌کننده **سعادت** بشری است و آیا هر دانشمندی، چراغی فرا روی **حرمان** و **جهالت** انسان‌ها و نجات‌بخش آنان از بزه‌کاری‌ها و ناهنجاری‌هاست یا برعکس، در مواردی زمینه‌ساز

تخریب **فطرت** و از بین بردن **سعادت انسان** است. آیا دانشی که به شخص غیر مهذب رسیده است می‌تواند در خدمت جامعه قرار گیرد و آیا احاد مردم، از پرتو انوار او استفاده می‌کنند؟ آیا **بشر** در سایه علم و **تمدن** و **صنعت** و **تکنولوژی** پیشرفته امروزی، به **صلح** و **صفا** و **امنیت روانی** رسیده است و می‌تواند **آسایش** خیال و صلاح خود را **ارمغان** علم بداند؟ ما در این نوشتار درصدد آنیم که به تعریف دانش و **دانشمند** بپردازیم و ارزش و مقام علم را از منظر **قرآن** کریم ترسیم نماییم.

مفهوم علم

«علم در لغت به معنای نشان‌دار کردن و علامت گذاشتن است و **درک** کردن و به حقیقت چیزی رسیدن نیز معنا شده است. در قرآن کریم آمده است: «... لا تعلمونهم الله يعلمهم...»^[۱] یعنی شما به آنها آگاه نیستید، **خداوند** به آنها آگاه است و «... فان علمتموهن مؤمنات...»^[۲]؛ یعنی هرگاه آنها را از **زنان** مؤمنه‌ای یافتید».^[۳]

انواع درک

درک کردن حقیقت چیزی، بر دو نوع است:

یکی **درک کردن ذات شیء** است و دیگری **حکم کردن بر شیء** به وجود چیزی که آن برای آن شیء موجود است، یا **نفی** چیزی که نافی از آن شیء است. بنابراین معنای اول با یک **مفعول متعدی** می‌شود، مانند آیه گذشته^[۴] و دومی با دو **مفعول متعدی** می‌شود، مانند آنچه در آیه **سوره ممتحنه** گذشت.

تقسیم دیگر علم

علم از حیث دیگری نیز به دو گونه تقسیم شده است: **نظری** و **عملی**.

← علم نظری

علم نظری همان است که با دانستن، کامل می‌شود مثل علم به **موجودات** هستی.

← علم عملی

علم عملی کامل نمی‌شود مگر اینکه بدان عمل شود، مانند علم به **عبادات**.

نظر سقراط درباره علم

«دانشمندانی چون **سقراط** تنها راه **معارف** را عمل دانسته و برای آن ارزش نامحدودی قائل شده و حقیقت علم را **مدرکات عقلانی** پنداشته‌اند و کلیه اعمال نیک را مبتنی بر عمل دانسته‌اند. حصول **علم مطلق** ممکن است و **علم حقیقی** عبارت است از علم به مثل و **حقایق** اشیا و این گروه، **مدرکات عقلی** را، اصل دانسته و معتقدند همانطور که ماده و مادیات پرتوی از عوامل روحانی و معنوی هستند علمی که از راه **حواس** حاصل می‌شود نیز علم حقیقی نبوده و تنها علم حقیقی مخصوص به **مدرکات عقل** است که بر اثر اتصال آن با عقل فعال، **حقایق عالم** را در می‌یابد».^[۵]

تقسیم علم از نظر علامه طباطبایی

البته علم صفتی است که موجب **تمایز** اشیاء می‌شود و عبارت از **ادراک** مطلق یا حصول **صور اشیاء** نزد عقل است و شامل صور یقینی یا وهمی یا شکلی می‌گردد و **علامه طباطبایی** علم را به حصولی و حضوری تقسیم نموده و معتقد است در **علم حصولی**، **ماهیت** نزد عالم معلوم است، در حالی که در **علم حضوری** وجود نزد عالم معلوم است.^[۶]

تجرد علم

البته علم **انسان** دارای حقیقتی نوری الذات و مجرد است که به **نفس** و **روح** انسان افزوده می‌شود و این حقیقت از **حقیقت نفس** متمایز است و ذاتاً نور، خودش را معرفی می‌کند و چیز دیگر را نیز روشن می‌سازد.

اطلاق علم به مطلق دانش

البته علم، به مطلق دانش و **معرفت** نیز اطلاق می‌شود چه از طریق عقل تحصیل شود (مانند **علم ریاضی**) و یا از راه تجربه (مانند **علم فیزیک** و یا **شیمی**).

جایگاه علم در قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی، انسان‌ها را به فراگیری علم و دانش و شناخت **رازهای هستی** و **اسرار عالم** آفرینش دعوت می‌کند و در برابر دیدگان مردم **افق** تازه‌ای می‌گشاید و **شناخت** و **معرفت** را یک وظیفه‌ی قطعی قلمداد می‌کند و جالب اینجاست که این دعوت زمانی انجام می‌گیرد که ابرهای **جهل** و **تاریکی** افق **جامعه** را پوشانده و مردم را به خوابی عمیق فرو برده است.

← دعوت قرآن به شناخت

خداوند متعال در ۲۷ مورد در قرآن کریم با لفظ «اعلموا» مردم را به صورت آشکار، به فراگیری و شناخت دعوت نموده است مانند آیات ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۲۳ و ۲۳۱ **سوره بقره**.^{[۷] [۸] [۹] [۱۰]}

← قوام دین از نظر قرآن

از نظر قرآن **قوام** و **پایداری** دین بر اساس **تعلیم** و **آموزش** است و انتقال اندوخته‌های علمی به دیگران از اهم **عبادات** است.

← نکوهش ترک علم در قرآن

قرآن کریم در مواردی بر لزوم تعلیم و **تعلیم** توصیه نموده و مردم را به دلیل ترک **تفقه** سرزنش کرده است؛ «چرا از هر گروهی، طائفه‌ای از آنان **کوچ** نمی‌کنند تا در **دین** آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی **قوم** خود آنها را **انذار** نمایند تا شاید از مخالفت **فرمان الهی** حذر نمایند».^[۱۱]

← بصیرت و ظلمت از نظر قرآن

قرآن علم را **بصیرت** و **بینایی** و **چهل** را **کور** و **ظلمت** می‌داند؛ «... هل یستوی الأعمی والبصیر...».^[۱۲]

← علم منشأ ایمان و تقوی

از نظر قرآن کریم علم و دانش منشأ **ایمان** و **تقوی** است؛ چنان‌که می‌فرماید: «آنها که پیش از این علم و دانش دریافت داشته‌اند هنگامی که قرآن بر آنها **تلاوت** می‌شود به **خاک** می‌افتند و **سجده** می‌کنند و می‌گویند: **پروردگار ما منزّه** است زیرا **وعده‌هایش** قطعاً انجام شدنی است»^[۱۳] همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «و **راسخنان در علم** می‌گویند: ما به همه آیات **الهی** ایمان آورده‌ایم همه از سوی پروردگار ماست و تنها **صاحبان عقل** متذکر می‌شوند».^[۱۴]

← علم منشأ قدرت و پیشرفت

علم و دانش در همه ابعاد افتخارآفرین است و منشأ قدرت و پیشرفت‌های مادی می‌شود «ما به **داود** و **سلیمان** علم و دانش فراوان بخشیدیم و آنها گفتند: سپاس خداوندی را که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشیده **سلیمان وارث** داوود شد و گفت: ای مردم! سخن گفتن **برندگان** به ما تعلیم داده شده است و از هر چیزی هم به ما **عطا** گردیده که اینها خود **فضیلت** آشکاری است»^[۱۵] زمانی که قوم **موسی** علیه‌السلام **قارون** ثروتمند و **مغرور** را **نصیحت** کردند که از **مکت** خود **جامعه** را **اشباع** کن پاسخ داد: «این **ثروت** را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام»؛^[۱۶] و **خداوند** متذکر می‌شود که ثروتمندان و نیرومندان دیگری نیز **هلاک** شده‌اند «آیا او نمی‌دانست که **خدا** اقوامی را پیش از او به هلاکت رساند که از او نیرومندتر و ثروتمندتر بودند».^[۱۷]

← شرط درک اسرار هستی

قرآن کریم درک **اسرار هستی** را ویژه **دانشمندان** می‌داند و می‌فرماید: «از نشانه‌های او آفرینش **آسمان‌ها** و **زمین** و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست و این‌ها نشانه‌هایی برای دانشمندان است».^[۱۸] و در جای دیگر که **نعمات الهی** برشمرده می‌شود می‌فرماید: «این مثال‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز عالمان آن را **درک** نمی‌کنند».^[۱۹]

← شرط تقرب به خدا

از نظر قرآن هرچه ایمان بالاتر باشد بنده خدا مقرب‌تر است و در حدیثی از **امام صادق** علیه السلام نقل شده که فرمودند: «**پاداش** هر کس به اندازه **عقل** و دانش اوست».^[۲۰]

← علم قرآنی از نظر علامه

علامه طباطبایی با استناد به آیه «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکروا لوالیالباب»^[۲۱] معتقد است که در آیه فوق علم داشتن و نداشتن هر دو مطلق آمده، ولی مراد از آن برحسب مفاد آیه، علم به خداست، چون علم به خداست که آدمی را به کمال می‌رساند و به **حقیقت** معنای کلمه نافع است و نبود آن **ضرر** می‌رساند؛ ولی علوم دیگر مانند **مال** هستند که تنها نافع **زندگی دنیوی** است و با فنا **دنیا** فانی می‌گردد. پس **مؤمنان** دو دسته‌اند مؤمنان عالم و مؤمنان غیرعالم که گروه اول **رحمان** و **برتری** دارند.^[۲۲] قرآن کریم در مقام اهتمام به صاحبان علم می‌فرماید: «...یرفع الله الذین ءامنو منکم والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر».^[۲۳]

← ارتقای رتبه انسانی

؛ خداوند **رتبه** کسانی از شما را که **ایمان** آورده‌اید و کسانی را که دانشمندان به درجات بالا **ارتقا** داد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است. در تفسیر **منهج الصادقین** آمده است: «این‌که صاحبان علم نام برده شده‌اند با آنکه از جمله مؤمنان هستند دلالت بر رفعت **درجات** و **شایستگی** آنها دارد».^[۲۴]

← عالی‌ترین مرتبه وجودی انسان

همچنین در **سوره علق** آمده است: «أقرأ باسم ربک الذی خلق الذی خلق الانسان من علق»^[۲۵] و ربک الاکرم الذی علم بالقلم • علم الانسان ما لم یعلم». که در این آیه نازل‌ترین و عالی‌ترین مرتبه وجودی انسان ذکر شده است. برترین مراتب علم است، از آن جهت که **خداوند** کریم پس از صفت **کریم** و **کرامت** (که **هستی** همه چیز به واسطه این صفت **ذات اقدس** است) صفت **تعلیم** علم را به خود منتسب نموده است و از طرف دیگر در مقابل علم، **علقه** را قرار داده که نازلترین مراتب وجود است پس **قوس** صعودی کمال انسان حرکت به سمت علم است.^[۲۶]

تفاوت عالم و عابد

در حدیثی از **پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله نیز آمده است: «وقتی که **عالم** و **عابد** در روز **قیامت** بر **صراط** اجتماع کنند به عابد گویند به **بهشت** درآی و از **عبادت** خویش بهره‌مند شو و به عالم گویند که اینجا بمان و از هر کسی که می‌خواهی و دوست داری **شفاعت** نما زیرا هر که را تو شفاعت کنی پذیرفته خواهد شد، پس عالم در مقام **پیامبران** می‌ایستد و از **دوستان** و **یاران** خویش تا آنجا که می‌تواند شفاعت می‌نماید. زیرا در قیامت سه گروه شفاعت می‌کنند: پیامبران،

پانویس

۱. ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۶۰. 📖
۲. ↑ ممتحنه/سوره ۶۰، آیه ۱۰. 📖
۳. ↑ مفردات، ص ۸۵۶. 📖
۴. ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۶۰. 📖
۵. ↑ حسینی دشتی، محمد، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۳۵.
۶. ↑ المیزان، ج ۶، ص ۱۷۱. 📖
۷. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۳. 📖
۸. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۹. 📖
۹. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۲. 📖
۱۰. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۱. 📖
۱۱. ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲. 📖
۱۲. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۶. 📖
۱۳. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۱۰۷-۱۰۸. 📖
۱۴. ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۷. 📖
۱۵. ↑ نمل/سوره ۲۷، آیه ۱۵-۱۶. 📖
۱۶. ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۷۸. 📖
۱۷. ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۷۷. 📖
۱۸. ↑ روم/سوره ۳۰، آیه ۲۲. 📖
۱۹. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۳. 📖
۲۰. ↑ بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۴. 📖
۲۱. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۹. 📖
۲۲. ↑ المیزان، ج ۱۷، ص ۲۴۲. 📖
۲۳. ↑ مجادله/سوره ۵۸، آیه ۱۱. 📖
۲۴. ↑ تفسیر منهج الصادقین، ج ۹، ص ۲۱۰.
۲۵. ↑ علق/سوره ۹۶، آیه ۵-۱. 📖
۲۶. ↑ مدیرشانه چی، علم الحدیث، ص ۱۸۰.
۲۷. ↑ نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۲۴.

منبع

دانشنامه موضوعی قرآن. 📖